

## **The Effectiveness of Entrepreneurship Education on Students' Career Path**

**Sakineh Ashrafi\***

**Habib allah Najafi Hezarjaribi\*\***

### **Introduction**

One of the most complex and important choices in the life of a person is the planning and selection of a Career Path. Such an important decision is under the influence of factors such as the personality of the individual, family and education. In fact career planning is a process in which an individual analyzes his/her interests, values, personality and potentialities and tries to harmonize his/her personal characteristics with his/her career course. The purpose of this study was to investigate the effectiveness of entrepreneurship lesson on students' career routing.

### **Method**

The research method was experimental using pre-test and post-test with control group. The statistical population of the study included all of the second grade female high school students in the city of Nourabad. In order to do this research, two second grades - one from "fieldwork and knowledge" branch, and the other from among the 18 theoretical branches were randomly selected. The tool used in the research was a researcher-made entrepreneurship career routing questionnaire. The obtained data were analyzed by using covariance analysis.

### **Results**

The results of the study showed that the means of the variable of the career path of the students and those of the subscales of entrepreneurship knowledge, the attitude toward entrepreneurship as a career path and the choice of entrepreneurship as a career path exceeded those of the control group but there was no meaningful difference between the two experimental and control groups in the subscale of routing knowledge ( $p < 0/05$ ).

---

\* Payamnoor Univercity, Iran

\*\* Assistant professor, Payamnoor Univercity Iran Email: hnh\_dr@yahoo.com

### **Discussion**

It can be concluded that entrepreneurship education is effective on students' career routing and entrepreneurship can be considered as a career path.

**Keywords:** Entrepreneurship education, knowledge, attitude, choice, career routing.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز

پاییز و زمستان ۱۳۹۷، دوره‌ی ششم، سال ۲۵

شماره‌ی ۲، صص: ۹۱-۱۰۸

## اثربخشی آموزش کارآفرینی بر مسیر شغلی دانش‌آموزان

سکینه اشرفی\*

حبیب‌الله نجفی هزارجریبی\*\*

### چکیده

یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین تصمیم‌هایی که هر فرد در مسیر زندگی خود با آن رو به‌رو است، برنامه‌ریزی و انتخاب مسیر شغلی است. این تصمیم مهم تحت تأثیر عوامل چون شخصیت فرد، خانواده، آموزش و پرورش قرار می‌گیرد. در واقع برنامه‌ریزی مسیر شغلی فرایندی است که طی آن شخص علائق، ارزش‌ها، شخصیت و قابلیت‌های خود را تجزیه و تحلیل کرده و تلاش می‌کند مشخصه‌های شخصی خود را با گزینه‌های مسیر شغلی در دسترس، منطبق سازد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درس کارآفرینی بر مسیر شغلی دانش‌آموزان صورت گرفت. روش پژوهش آزمایشی بوده و از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر پایه دوم مقطع متوسطه در شهر نورآباد بود. به‌منظور انجام این پژوهش یک‌پایه دوم از بین سه‌پایه دوم رشته کار و دانش و یک‌پایه دوم از بین هجده پایه دوم رشته‌های نظری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. ابزار مورد استفاده در پژوهش پرسشنامه پژوهشگر ساخته مسیریابی شغلی کارآفرینی بود. روایی صوری پرسش‌نامه توسط متخصصان حوزه مشاوره تحصیلی و شغلی تأیید گردیده و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ( $\alpha=0/8$ ) محاسبه شده است. داده‌های به دست آمده با روش آماری تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که میانگین متغیر مسیر شغلی دانش‌آموزان و زیرمقیاس‌های دانش کارآفرینی، نگرش نسبت به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی و انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی بیشتر از گروه کنترل بوده است اما در میانگین زیرمقیاس دانش مسیریابی شغلی تفاوت معنی‌داری بین دو گروه آزمایش و کنترل وجود ندارد ( $P < 0/05$ )؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت؛ که آموزش کارآفرینی بر مسیریابی شغلی دانش‌آموزان مؤثر است و کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان یک مسیر شغلی در نظر گرفته شود.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش کارآفرینی، دانش، نگرش، انتخاب، مسیریابی شغلی.

\* مربی، دانشگاه پیام نور

\*\* استادیار، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

hnh\_dr@yahoo.com

## مقدمه

در سال‌های اخیر، رشد اقتصادی، تکنولوژی و تحولات اجتماعی بازار کار و اشتغال را تحت تأثیر قرار داده و باعث شکل‌گیری مشاغل و چشم‌اندازهای شغلی جدید و حذف بسیاری از مشاغل سنتی شده است. بر اساس پیش‌بینی‌های مربوط به بازار کار و اشتغال، در سال ۲۰۲۰ انتظار می‌رود ۱/۵ میلیون شغل جدید ایجاد شود و بسیاری از مشاغل از رده خارج یا جایگزین می‌شوند (Rae & Ruth Woodier-Harris, 2013). از این‌رو تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مسیر شغلی یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین تصمیم‌هایی است که فرد در مسیر زندگی خود با آن رو به رو است. برنامه‌ریزی مسیر شغلی فرایندی است که در آن فرد در طول زندگی کاری خویش، هدف‌های خدمتی خود را روشن می‌کند و همواره به‌گونه‌ای رفتار می‌نماید که بتواند در پایان به همه این هدف‌ها دست یابد (Ahi & Bejani, 2012). همچنین برنامه‌ریزی مسیر شغلی فرایندی است که طی آن شخص علائق، ارزش‌ها، شخصیت و قابلیت‌های خود را تجزیه و تحلیل کرده و تلاش می‌کند مشخصه‌های شخصی خود را با گزینه‌های مسیر شغلی در دسترس، منطبق سازد (Zarei, 2001). (Zarei, 2001). (Talib, Mohamad and Wahab (2015) ادعا می‌کنند که دانش‌آموزان در انتخاب مسیر شغلی و حرفه‌ای با مشکلاتی نظیر دانش و آگاهی کم درباره فرایند برنامه‌ریزی شغلی، سردرگمی در انتخاب شغل، عدم آگاهی درباره گزینه‌های شغلی و ترس از بیکاری مواجه هستند. کارآفرینی از زمان باستان به‌عنوان یک فرصت و مسیر شغلی (نه لزوماً با نام یا اصطلاح کارآفرینی) مطرح بوده است اما در دهه‌های گذشته با توجه به بحران‌های اقتصادی و کاهش فرصت‌های شغلی، تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا کارآفرینی را به‌عنوان یک حرفه و مسیر شغلی معرفی کنند (Noer, Idrus, Hadiwijoyo & Wirjodirdjo, 2013; Rae & Ruth Woodier-Harris, 2013). کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی در جامعه یکی از اهرم‌های اصلی رشد و بهبود اقتصاد می‌باشد (Noer et al., 2013; Mohamad, Lim, Yusof, Kassim & Abdullah, 2014). پژوهشگران معتقدند که عوامل متعددی بر تصمیم‌گیری دانش‌آموزان در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی نظیر: عوامل شخصی، مهارت‌ها و توانایی‌ها فرد، ویژگی‌های شخصیتی مانند ترس از شکست، ریسک‌پذیری، درک فرصت‌های محیطی، خودکارآمدی و جنسیت عوامل محیطی: خانواده، همسالان و رسانه‌ها تأثیر می‌گذارد (Magnusson & Starr, 2000; Bardick, Bernes, Magnusson & Witko, 2005; Wilson, Kickul & Marline, 2007; Shinnar, Pruet & Toney, 2009; Pihie & Akmaliah, 2009; Maalu & Kabui, 2012; Su, Chang, Wu, &

(Liao, 2016; Yaqoob, Arif, Samad & Iqbal, 2017).

Douglas and Shepherd (2002) نیز معتقد است که در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی باید عوامل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصادی ... مورد توجه و بررسی قرار گیرد. در این میان آموزش کارآفرینی نقش بسیار مهمی در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی ایفا می‌کند (Henderson & Robertson, 2000; Maalu & Kabui, 2012; Mohamad & et al, 2014). آموزش کارآفرینی یادگیرندگان را به دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های اساسی برای خود استخدامی مجهز می‌کند و آن‌ها را با خود اعتمادی، خلاقیت و نوآوری توانمند می‌کند (Brown, 2003). متخصصان آموزش و پرورش با داشتن دانش کافی در زمینه کارآفرینی و اشتیاق زیاد در آموزش و انجام کارآفرینی می‌توانند بر انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی تأثیر بگذارند (Henderson & Robertson, 2000). پژوهش‌ها بر آموزش کارآفرینی در مدارس و قبل از ورود به دانشگاه تأکید دارند آن‌ها اشاره می‌کنند که با تشخیص و شکوفایی استعداد کارآفرینی در سطح مدارس، دانش‌آموزان بهتر و بیشتر از گزینه‌های انتخاب شغلی اطلاع پیدا می‌کنند و به خود استخدامی به‌عنوان یک گزینه شغلی توجه خواهند کرد (Thompson & Kwong, 2016; Van der Kuip & Verheul, 2003).

Adenuga and Ayodele (2013) ادعا می‌کنند که معرفی برنامه‌های مشاوره‌ای کارآفرینی در مدارس، دانش‌آموزان را به نگرش و مهارت لازم برای کارآفرینی مجهز می‌کند و خود اعتمادی لازم برای شروع تجارت را در زندگی آینده آن‌ها القا می‌کند. آموزش کارآفرینی در مدارس باید به‌اندازه کافی اطلاعات شغلی را برای نوجوانان فراهم بیاورد و دانش‌آموزان را از فرصت‌های شغلی گوناگون در محیط‌شان و چگونگی خود استقلال‌ی آگاه کند. Muofhe and Du Toit (2011) اذعان می‌دارد که ظهور استعدادها شغلی، تغییر نگرش نسبت به کارآفرینی به‌عنوان روش زندگی، تغییر دیدگاه شغلی و شخصی و کسب توانایی‌هایی مانند خود ارزشی، خودآگاهی، خود مدیریتی، انتقال یادگیری، کار گروهی، خلاقیت و حل مسئله از مزایای آموزش کارآفرینی است. Henderson and Robertson در سال ۲۰۰۰ پژوهشی را پیرامون عوامل تأثیرگذار بر افراد جهت انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک شغل در بین دانشجویان کارشناسی ارشد رشته کارآفرینی مورد بررسی قراردادند. آن‌ها بر نقش مهارت‌های کارآفرینی و آموزش کارآفرینی تأکید کردند. (Douglas and Shepherd (2002) در پژوهشی رابطه انتخاب شغلی با نگرش مردم نسبت به درآمد، استقلال، ریسک‌پذیری و تلاش کاری را مورد بررسی

قرار دادند. در اغلب موارد کارآفرینان با نگرش قوی یا ضعیفی نسبت به این ابعاد توصیف می‌شدند. نتایج پژوهش به تأثیر این نگرش‌ها بر قصد شروع کسب و کار و خودکفایی خود فرد اشاره دارد همچنین رابطه معناداری بین انتظارات از شغل و ریسک‌پذیری، میل به استقلال و تلاش کاری کشف شد و علاوه بر این قصد شروع کسب و کار و خودکفایی رابطه معناداری با میزان ریسک‌پذیری و میل به استقلال پاسخ‌دهندگان دارد.

Carter, Gartner, Shaver and Gatewood (2003) در پژوهشی به بررسی دلایل انتخاب کارآفرینی به‌عنوان شغل توسط کارآفرینان نوپا پرداختند و آن دلایل را با پاسخ‌های گروهی از غیر کارآفرینان مقایسه کردند. این دلایل در شش بعد خودشناسی، موفقیت مالی، نقش‌ها، نوآوری، شناخت و استقلال دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد بین نمره‌های کارآفرینان تازه کار و غیر کارآفرینان در ابعاد خودشناسی، موفقیت مالی، نوآوری و استقلال تفاوت معناداری وجود ندارد اما بعد شناخت کارآفرینان تازه کار، به میزان قابل توجهی کمتر از غیر کارآفرینان ارزیابی شد. در نهایت از لحاظ جنسیت نیز صرف‌نظر از گروه کارآفرینان تازه و غیر کارآفرینان، موفقیت مالی و نوآوری در مردان بیشتر از گروه زنان بود. (Wilson et al. (2007) در پژوهشی به بررسی روابط بین جنسیت، خودکارآمدی کارآفرینی و میل به کارآفرینی در دو گروه نمونه نوجوانان و دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت کسب‌وکار پرداختند. نتایج نشان داد که اثرات جنسیت بر خودکارآمدی کارآفرینی در دو گروه مشابه است. همچنین تأثیر آموزش کارآفرینی در برنامه‌های مدیریت کسب‌وکار بر خودکارآمدی کارآفرینی زنان نسبت به مردان قوی‌تر است. (Pihie and Akmaliah (2009) در پژوهش پیمایشی به بررسی ادراک خودکارآمدی و میل به کارآفرینی دانشجویان پرداختند. یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزان با ادراک خودکارآمدی بالا و میل به کارآفرینی، نمره متوسط را در تمام سازه‌های مدیریت مالی و بازاریابی گرفتند. یافته‌ها همچنین نشان داد که افرادی که ارزش آموزش کارآفرینی در دانشگاه را دریافته‌اند نمره بالاتری در نگرش به مسیر شغلی کارآفرینی و کنترل رفتاری کسب کرده‌اند و در نهایت پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاران دانشگاه باید استراتژی‌های آموزشی خاصی را برای آموزش کارآفرینی انتخاب کنند تا مبنایی برای انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی در نظر گرفته شود. (Muofhe and Du Toit (2011) در پژوهشی به بررسی - تفاوت‌های میل به کارآفرینی بین دانشجویان رشته کارآفرینی و غیر کارآفرینی - رابطه بین آموزش کارآفرینی و

اهداف کارآفرینی - همچنین رابطه بین مدل‌های نقش و میل به کارآفرینی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان رشته کارآفرینی میل به کارآفرینی قوی‌تری نسبت به دیگر دانش‌آموزان دارند همچنین رابطه مثبت بین آموزش کارآفرینی با میل به کارآفرینی و بین مدل‌های نقش با اهداف کارآفرینی به ترتیب وجود دارد. (Maalu and Kabui (2012) در پژوهشی به بررسی درک دانش‌آموزان مدارس راهنمایی دولتی نایروبی<sup>۱</sup> از کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی و تمایل آن‌ها برای انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی پرداختند. او به عوامل درونی (داشتن والدین کارآفرین) و بیرونی (یادگیری کارآفرینی) تأثیرگذار بر ادراک کارآفرینی و اهداف کارآفرینی آن‌ها توجه کرد. نتایج پژوهش نشان داد که اکثر دانشجویان ادراک مثبتی نسبت به کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی داشتند. عوامل مختلفی نظیر ترس از شکست، فقدان دانش کافی برای شروع و اجرای کسب‌وکار خود و بودجه‌های ناکافی برای شروع کسب‌وکار به‌عنوان مانع یا چالش کارآفرینی درک شدند. همچنین نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در ادراک کارآفرینی بین دانش‌آموزانی که مطالعات کسب‌وکار در مدرسه دارند و کسانی که این موضوع‌ها را مطالعه نکرده بودند وجود ندارد. علاوه بر این دانش‌آموزانی که والدین خود اشتغال داشتند انگیزه زیادی برای رفتن به کارآفرینی به‌منظور ادامه کسب‌وکار خانوادگی نداشتند.

(Fafaliou (2012) در پژوهشی به بررسی گرایش‌های کارآفرینی دانشجویان یکی از دانشگاه‌های کارآفرینی یونان پرداخت. یافته‌ها نشان داد که تقریباً نیمی از دانشجویان مورد مطالعه (۴۶/۵٪) علی‌رغم آگاهی از مشکلات پیش رو در مرحله قبل و حین راه‌اندازی مشاغل خود موضع مثبتی نسبت به کارآفرینی داشتند. همچنین حدود یک‌سوم آن‌ها ایده‌هایی برای ایجاد نوع کسب‌وکار موردنظر خود داشتند. با این حال، اکثریت اظهار داشتند که به‌اندازه کافی آمادگی برای خوداشتغالی را ندارند. در نتیجه، حوزه‌ی وسیعی برای برگزاری و بهبود دوره‌های کارآفرینی در سراسر برنامه‌های درسی دانشگاه وجود دارد. (Rae and Ruth Woodier-Harris (2013) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر مسیر شغلی دانشجویان بین‌المللی در انگلستان پرداختند. نتایج نشان داد که آموزش کارآفرینی دانشجویان به کسب آگاهی کارآفرینی، ذهنیت کارآفرینی، توانایی کارآفرینی و کارایی کارآفرینی دانشجویان منجر می‌شود و زندگی شغلی و تحصیلات تکمیلی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Noer and et al. (2013

---

1- Nairobi

پژوهشی به بررسی ویژگی‌های شخصیتی تأثیرگذار بر انتخاب کارآفرین به‌عنوان یک مسیر شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه پرداختند. بر اساس پژوهش‌های گذشته پنج عامل ریسک‌پذیری، رقابت-جویی، پیشگامی، نوآوری و استقلال بر انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی شناسایی شده است. نتایج نشان می‌دهد که سه عامل عمده تأثیرگذار بر انتخاب کارآفرین به‌عنوان مسیر شغلی، یعنی پیشگامی، ریسک‌پذیری و رقابت‌جویی وجود دارد. درحالی‌که دو عامل دیگر یعنی نوآوری و استقلال در دو گروه مشترک می‌باشد. (Mohamad et al., 2014) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی پرداختند. نتایج نشان داد که تمایل به انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی در بین دانشجویان بالا بوده و با جنسیت، قومیت، نژاد، پیشینه کارآفرینی در خانواده ارتباط دارد. همچنین نتایج نشان داد که آموزش کارآفرینی، پیشینه کارآفرینی در خانواده و عامل اقتصادی از عوامل مهم تأثیرگذار هستند. (Moradi and Kalantari, 2010) پژوهشی با عنوان تأثیر درس کارآفرینی بر امید به آینده شغلی دانشجویان دانشگاه آزاد انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش درس کارآفرینی در افزایش اعتماد به نفس، آگاهی و توانایی لازم، افزایش توانایی‌های خوداشتغالی، افزایش خلاقیت در زمینه‌های شغلی دانشجویان مؤثر بود.

در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در زمینه کارآفرینی و ضرورت آموزش آن صورت گرفته است و هرکدام از آن‌ها به‌نوعی به اهمیت، ضرورت و مزایای آموزش کارآفرینی به‌خصوص از دوران مدرسه پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها اشاره می‌کند که خیلی از افراد ممکن است به دلایل مختلف نظیر کسب درآمد و تجربه‌های کاری بیشتر (Douglas & Shepherd, 2002)، رشد استعدادهای نهفته، موفقیت مالی، خلاقیت و نوآوری، شناخت، استقلال حرفه‌ای و ادامه پیشه خانوادگی (Carter et al., 2003)، کمبود شغل و نبود فرصت استخدامی (Noer et al., 2013) و یا به‌صورت اتفاقی وارد عرصه کارآفرینی می‌شوند. این در حالی است که در علم مشاوره شغلی و تحصیلی، کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی مطرح می‌شود و افراد باید با دانش و آگاهی وارد این حوزه شوند تا بتوانند از امکانات و فرصت‌های خود نهایت استفاده را نمایند و موفق‌تر عمل کنند. علیرغم اهمیت موضوع نقش و تأثیر آموزش کارآفرینی بر رشد دانش و آگاهی کارآفرینی دانش‌آموزان و معرفی آن به‌عنوان یک مسیر شغلی، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در سیستم آموزشی کشور ما، این برنامه‌ها بسیار محدود و کوتاه‌مدت اجرا شده،



بالتبع پژوهش‌های بسیار کمی در این حوزه صورت گرفته است. لذا در این پژوهش سعی شده است که به بررسی اثربخشی آموزش کارآفرینی در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی پرداخته شود و فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیه اصلی: آموزش کارآفرینی در مسیر شغلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی: ۱- آموزش کارآفرینی بر دانش‌افزایی کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی: ۲- آموزش کارآفرینی بر دانش‌افزایی مسیریابی شغلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

فرضیه فرعی: ۳- آموزش کارآفرینی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی تأثیر دارد.

فرضیه فرعی: ۴- آموزش کارآفرینی در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی صورت گرفته است. این پژوهش به روش شبه‌آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل اجرا شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر پایه دوم مقطع متوسطه در شهر نورآباد در سال ۹۵-۱۳۹۴ بود. از این جامعه آماری یک پایه دوم از بین سه پایه دوم رشته کار و دانش و یک پایه دوم از بین هجده پایه دوم رشته‌های نظری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. در این پژوهش ۵۸ دانش‌آموز دختر پایه دوم دبیرستانی (۳۰ دانش‌آموز در گروه آزمایش و ۲۸ دانش‌آموز در گروه کنترل) مشارکت داشتند. بدین ترتیب که در مرحله اول یعنی (اواخر مهرماه) برای هر دو گروه (آزمایشی و کنترل) پیش‌آزمون مسیر شغلی کارآفرینی اجرا شد. سپس درس کارآفرینی برای پایه دوم شاخه کار و دانش در گروه آزمایش ارائه و به مدت ۲۴ هفته (هر هفته یک جلسه ۶۰ دقیقه‌ای) آموزش داده شد اما برای گروه کنترل، هیچ‌گونه آموزشی در ارتباط با کارآفرینی اعمال نشد بلافاصله بعد از اتمام آموزش (اواخر اردیبهشت‌ماه) به گروه آزمایش، پس‌آزمون مسیر شغلی کارآفرینی برای هر دو گروه اجرا شد. ابزار مورد استفاده در پژوهش پرسشنامه پژوهشگر ساخته مسیر شغلی کارآفرینی بود. این پرسشنامه دارای ۴۰ گویه است و چهار خرده‌مقیاس

دانش کارآفرینی (۱۲ گویه)، دانش مسیریابی شغلی (۱۰ گویه)، نگرش نسبت به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی (۸ گویه) و انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی (۱۰ گویه) را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. گویه‌های پرسشنامه در طیف لیکرت از ۱ تا ۵ (از بسیار مخالفم تا بسیار موافقم) نمره‌گذاری شده‌اند. روایی صوری ابزار گردآوری داده‌ها با استفاده از نظر اساتید و متخصصان حوزه مشاوره تحصیلی و شغلی تعیین شد. به‌علاوه پایایی ابزار پژوهش نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار عددی آن برابر با ۰/۸۲ و حاکی از پایایی قابل قبول پرسشنامه می‌باشد.

به‌منظور بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره‌ها) و از آمار استنباطی (آزمون تحلیل کوواریانس) در محیط spss<sup>21</sup> استفاده گردید. لازم به ذکر است که سطح معنادار گزاره‌ها مورد پژوهش قرار گرفت (a=۰/۵).

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از میانگین، انحراف معیار و تعیین اثربخشی آموزش کارآفرینی از آزمون کوواریانس استفاده شد. در این بخش ابتدا میانگین و انحراف معیار دو گروه کنترل و آزمایش در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی و سپس داده‌های مربوط به آزمون فرضیه ارائه شده است.

به علت وجود یک متغیر مستقل و چند متغیر وابسته و تعدیل اثر پیش‌آزمون، از آزمون آماری تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده شد. طبیعی بودن متغیرهای پژوهش با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف مورد تأیید قرار گرفت (p>۰/۰۵). به‌منظور رعایت مفروضه همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد. مقادیر آماره F که نشان‌دهنده مقدار آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌های گروه‌های آزمایش و کنترل است و در مسیر شغلی دانش‌آموزان (f(۱,۵۶), p=۰/۲۱۶) و هیچ یک از مؤلفه‌های دانش کارآفرینی (f(۱,۵۶), p=۰/۳۵)، دانش مسیریابی شغلی (f(۱,۵۶), p=۰/۸۳) نگرش نسبت به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی (f(۱,۵۶), p=۰/۱۶۴)، انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی (f(۱,۵۶), p=۰/۰۶) معنادار نیست (p>۰/۰۵). با توجه به این نتیجه، پیش‌فرض برابری واریانس‌های دو گروه آزمایش و کنترل در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی و مؤلفه‌های آن تأیید می‌شود.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار دو گروه کنترل و آزمایش در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی  
Table 1. Mean and standard deviation of control and experiment groups in the choice of entrepreneurship as a career path

گروه کنترل Control group		گروه آزمایش experimental group		Test	متغیر Variable
انحراف استاندارد Standard deviation	میانگین mean	انحراف استاندارد Standard deviation	میانگین mean		
0.64	3.17	0.70	3.18	پیش‌آزمون	دانش کارآفرینی
0.14	2.68	0.13	3.04	پس‌آزمون	
0.64	3.17	0.63	3.18	پیش‌آزمون	دانش مسیریابی شغلی
0.12	3.17	0.12	3.19	پس‌آزمون	
0.79	2.85	0.87	3.13	پیش‌آزمون	نگرش نسبت به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی
0.44	2.90	0.68	3.22	پس‌آزمون	
0.73	3.01	0.87	3.03	پیش‌آزمون	انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی انتخاب
0.42	3.69	0.28	3.96	پس‌آزمون	
0.39	3.09	0.37	3.2	پیش‌آزمون	مسیر شغلی
0.45	3.02	0.51	3.34	پس‌آزمون	

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره (آنکوا) تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش در متغیر  
انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی با توجه به متغیر گروه در پس‌آزمون

Table 2. One-Way Analysis of Covariance (ANCOVA) Difference between control and experimental groups in variable of the choice of entrepreneurship as a career path considering the group variable in the post-test.

Eta <sup>2</sup>	سطح معناداری sig	F	میانگین مجذورات Meen squares	درجه آزادی Degree of Freedom	مجموع مجذورات sum of squares	شاخص آماری statistical indices	منابع Source
						اصلی	
0.73	0.012	6.8	1.58	1	1.653	اصلی	

جدول ۳. نتایج آزمون لامبدا ویلکز پیش‌فرض کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) تفاوت دو گروه کنترل  
و آزمایش در دانش در انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی

Table 3. Results of Wilks' lambda test Multivariate covariance (MANCOVA) Difference between control and experimental groups the choice of entrepreneurship as a career path.

توان power	اتا Eta <sup>2</sup>	سطح معناداری sig	F	لامبدا ویلکز Wilks' lambda	شاخص آماری Statistical indices	منبع Source
0.895	0.232	0.04	5.026	0.768	گروه	

اطلاعات جدول شماره ۳ نتایج آزمون پیش فرض تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکوا) تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش را در انتخاب کارآفرینی به عنوان مسیر شغلی نشان می دهد. بر اساس این نتایج، بین دو گروه در مسیر شغلی دانش آموزان تفاوت معناداری ( $P > 0/05$ ) وجود دارد. لذا فرضیه اصلی تأیید گردید. به عبارت دیگر با توجه به آنکه میانگین تعدیل شده گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در مسیر شغلی دانش آموزان بیشتر بود، می توان گفت، تفاوت بین نمرات دو گروه، بیان کننده این مطلب است که آموزش کارآفرینی در مسیر شغلی دانش آموزان تأثیر داشته است. با در نظر گرفتن مجذور اتا می توان گفت  $0/232$  درصد این تغییرات ناشی از تأثیر آموزش است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش در خرده مقیاس های در انتخاب کارآفرینی به عنوان مسیر شغلی با توجه به متغیر گروه در پس آزمون

Table 4. Results of multivariate covariance analysis (MANCOVA) Difference between control and experiment groups in the subscale the choice of entrepreneurship as a career path considering the group variable in the post-test.

شاخص آماری statistical indices	مجموع مجذورات sum of squares	درجه آزادی Degree of Freedom	میانگین مجذورات Mean squares	F	سطح معناداری sig	مقاسبات Eta <sup>2</sup>	منابع متغیر وابسته Source of Dependent variable
	2.67	1	2.67	5.32	0.025	0.093	دانش کارآفرینی
	1.82	1	1.82	4.15	0.057	0.74	دانش مسیریابی شغلی
	2.22	1	2.2	7.76	0.007	0.130	نگرش نسبت به کارآفرینی به عنوان مسیر شغلی
	1.1	1	1.1	8.80	0.005	0.145	انتخاب کارآفرینی به عنوان مسیر شغلی

نتایج جدول شماره ۴ نشان می دهد، با در نظر گرفتن نمرات پیش آزمون به عنوان متغیرهای همپراش (کمکی) تفاوت بین عملکرد دو گروه مداخله و کنترل در خرده مقیاس دانش کارآفرینی ( $p=0/025$ ,  $f=5/32$ )، نگرش نسبت به کارآفرینی به عنوان مسیر شغلی ( $p=0/007$ ,  $f=7/76$ )، و انتخاب کارآفرینی به عنوان مسیر شغلی ( $p=0/005$ ,  $f=8/80$ ) تأثیرگذار است اما در خرده مقیاس دانش مسیر شغلی ( $p=0/057$ ,  $f=4/15$ ) تأثیرگذار نیست. به عبارت دیگر می توان گفت تفاوت بین نمرات دو گروه، بیان کننده این مطلب است که فرضیه اثربخشی آموزش کارآفرینی بر دانش کارآفرینی (فرضیه فرعی اول)، نگرش نسبت به کارآفرینی به عنوان

مسیر شغلی (فرضیه سوم) و انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی (فرضیه فرعی چهارم) تأیید شد. با در نظر گرفتن مجذور اتا می‌توان گفت  $0/093$  درصد تغییرات در خرده مقیاس دانش کارآفرینی،  $0/130$  درصد تغییرات در خرده مقیاس نگرش نسبت به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی و  $0/145$  درصد تغییرات در خرده مقیاس انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی ناشی از تأثیر آموزش است. اما در فرضیه بهبود دانش مسیریابی شغلی (فرضیه دوم) تأیید نشده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

کسب دانش و اطلاع در زمینه کارآفرینی و فرصت‌های کارآفرینی به‌عنوان شرط لازم برای بروز رفتارهای کارآفرینانه و متعاقب آن انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی از سوی دانش‌آموزان و دانشجویان می‌باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی کارآفرینی در مسیر شغلی دانش‌آموزان انجام شد. نتایج به دست آمده از پژوهش حاکی از تأثیر آموزش درس کارآفرینی بر دانش و آگاهی دانش‌آموزان در زمینه کارآفرینی و انتخاب آن به‌عنوان یک مسیر شغلی است. این نتایج با نتایج پژوهش‌های Henderson and Robertson (2000); Douglas and Shepherd (2002); Carter et al. (2003); Pihie and Akmaliah (2009); Muofhe and Rae and Ruth Woodier-Harris (2013); Du Toit (2011) همسو است. نتیجه حاصل از فرض فرعی اول پژوهش نشان دهنده این است که آموزش کارآفرینی بر دانش‌افزایی کارآفرینی تأثیر معناداری داشته است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های Douglas and Shepherd (2002); Muofhe and Du Toit (2011); Rae and Ruth Woodier-Harris (2013) در بحث‌های جدید مطرح‌شده در علم مشاوره، کارآفرینی به‌عنوان رویکردی نوین در مشاوره شغلی عنوان شده است. مشاوران تحصیلی و شغلی معتقدند که افزایش آگاهی و توانایی‌های کارآفرینی دانش‌آموزان، زمینه شناسایی فرصت‌ها، چگونگی بهره‌گیری از آنها و برنامه‌ریزی زندگی شغلی را در آنها فراهم کرده و باعث شکل‌گیری و تقویت نگرش خوداشتغالی دانش‌آموزان می‌شود (Gysbers, 2013). آموزش‌های کارآفرینی تأثیر مثبت و معناداری را بر روی نگرش خوداشتغالی دانشجویان داشته است و این آموزش‌ها با افزایش آگاهی و توانایی‌های خوداشتغالی در دانشجویان امکان شناسایی فرصت‌ها، چگونگی بهره‌گیری از آنها و شناخت نوع زندگی شغلی را به آنها می‌دهد (Premand, Brodman, Almeida, Grun &

(Barouni, 2016). نتیجه حاصل از فرض دوم فرعی پژوهش نشان‌دهنده این است که آموزش کارآفرینی بر دانش‌افزایی مسیریابی شغلی تأثیر معنی‌داری نداشته است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های (Yeager, Bundick and Johnson (2012); Gautam, Nigam and Mishra (2016) همسو نمی‌باشد. پژوهش‌گران معتقد هستند که آموزش‌های مدارس یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر دانش و اطلاعات شغلی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شغلی دانش‌آموزان است (Yeager et al., 2012; Gautam et al., 2016). مدارس این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند که به بررسی مشاغل بپردازند و آن‌ها را در پیدا کردن شغل و تفکر در اهداف شغلی بر می‌انگیزاند (Yeager et al., 2012). (Rae and Ruth Woodier-Harris (2013). می‌انگیزاند که مدارس با ارائه آموزش‌های کارآفرینی به کسب و توسعه آگاهی کارآفرینی، تفکر و ذهنیت کارآفرینی، توانایی و قابلیت‌های کارآفرینی و کارایی کارآفرینی کمک می‌کنند. در واقع، آموزش و پرورش از طریق ایجاد تجربه مهارتی، مدل‌های نقش، تشویق و حمایت از طریق مشارکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری عملی، برنامه‌ریزی کسب‌وکار و اجرای کسب‌وکار واقعی و شبیه‌سازی شده باعث افزایش کارایی دانش‌آموزان در زمینه کارآفرینی می‌شود (Segal, Borgia & Schoenfeld, 2015). در تبیین نتیجه این فرض می‌توان گفت که شاید یکی از علل عدم همسویی این باشد که در مباحث آموزش کارآفرینی بیشتر به مفهوم کارآفرینی، ویژگی کارآفرینان و انواع کارآفرینی پرداخته شده و کمتر به مسیریابی شغلی و برنامه‌ریزی شغلی توجه شده است. اجرای دوره‌های آموزشی در زمینه کارآفرینی به‌منظور تأثیرگذاری بر مسیریابی شغلی دانش‌آموزان یکی از موضوعات پیچیده است که نیاز به برنامه‌ریزی درسی و آموزشی جامع و تدوین محتوای درسی، مشاوره تحصیلی و شغلی پیشرفته، مشاوران ماهر، مشارکت والدین در مدرسه و شرکت فعال دانش‌آموزان در برنامه‌ها دارد. همچنین در ارائه این مباحث نیاز به استفاده از روش تدریس فعال مانند روش مشارکتی، بحث و گفتگو و گردش علمی دوچندان احساس می‌شود.

نتیجه حاصل از فرض سوم فرعی پژوهش نشان‌دهنده این است که آموزش کارآفرینی بر نگرش نسبت به کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی تأثیر مثبت و معناداری داشته است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های (Bahramzadeh, Bavarsad & Jafarpour (2010); Wilson et al. (2007); Pihie and Akmaliah (2009); Sieger & Monsen (2015) همسو می‌باشد.

(2009) معتقدند که معمولاً افراد در هنگام انتخاب شغل با دو گزینه خوداشتغالی یا اشتغال در سازمان‌ها و نهادها مواجه‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از این است که آموزش‌های کارآفرینی بر خودکارآمدی کارآفرینان و قصد کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که آن‌ها تصویر مثبت‌تری از کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی داشته باشند. دانش‌آموزان با کسب مهارت‌ها و قابلیت‌هایی در زمینه مدیریت مالی، بازاریابی بیشتر احتمال دارد که کارآفرینی را به‌عنوان یک مسیر شغلی انتخاب کنند (Pihie & Akmaliah, 2009). نتایج پژوهش (Muofhe and Du Toit, 2011) مؤید این است که آموزش کارآفرینی و ارائه الگوهای نقش بر اهداف دانش‌آموزان برای انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک مسیر شغلی تأثیر دارد. در تبیین نتیجه این فرض نیز می‌توان گفت که کسب دانش و آگاهی در زمینه کارآفرینی و مسیریابی شغلی از هر طریق باعث شناسایی فرصت‌ها و چگونگی بهره‌گیری از آن‌ها، شناخت نوع زندگی شغلی و شکل‌گیری نگرش مثبت دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی و انتخاب آن به‌عنوان یک شغل خواهد شد. نتایج پژوهش (Moradi & Kalantari, 2010) حاکی از آن است که آموزش درس کارآفرینی در افزایش اعتماد به نفس، افزایش آگاهی و توانایی لازم و افزایش توانایی خوداشتغالی تأثیر دارد. (Sieger & Monsen, 2009) ادعا می‌کنند که آموزش کارآفرینی بر نگرش مثبت افراد نسبت به کارآفرینی و میل آن‌ها برای انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی تأثیر دارد. نتیجه حاصل از فرض فرعی چهارم پژوهش نشان‌دهنده این است که آموزش کارآفرینی بر انتخاب کارآفرینی به‌عنوان مسیر شغلی تأثیر مثبت و معناداری داشته است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های (Wilson and et al. (2007); Pihie and Akmaliah (2009); Muofhe and Du Toit (2011); Coduras Martinez, Levie, Kelley, Saemundsson and Schott (2010) همسو می‌باشد. در واقع سیستم آموزشی کشور یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری شغلی دانش‌آموزان، جستجو گزینه‌های شغلی و تفکر در برنامه‌ها و اهداف شغلی آینده آن‌هاست. مدارس با ارائه آموزش کارآفرینی، زمینه‌های رشد بسیاری از خصوصیات و مهارت‌های لازم کارآفرینی را در دانش‌آموزان فراهم ساخته و از این طریق باعث شکل‌گیری رفتار کارآفرینانه دانش‌آموزان و ترسیم مسیر شغلی کارآفرینی و خوداشتغالی پیش روی دانش‌آموزان می‌شود. با توجه به نقش آموزش‌های کارآفرینی در باز کردن مسیرهای شغلی جدید برای دانش‌آموزان، فراهم کردن فرصت خوداشتغالی و رفع ابهام از آینده شغلی به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد

می‌شود که با تعیین و آموزش کتاب‌های درسی جامع در زمینه کارآفرینی به‌عنوان منبع درسی، ارائه اطلاعات صحیح در جهت مسیریابی شغلی و مشارکت دانش‌آموزان در پروژه‌های جمع‌آوری اطلاعات درباره فرصت‌های شغلی و بازار کار به‌ویژه در زمینه کارآفرینی، دانش و علاقه دانش‌آموزان را به مسیر شغلی کارآفرینی بهبود بخشنده و شرایط کارآفرینی و خوداشتغالی دانش‌آموزان را مهیا سازند.

## References

- Adenuga, R. A., & Ayodele, K. O. (2013). Adolescent's entrepreneurial behavior: The predictive effect of the big five personality factors. *European Journal of Business and Social Sciences*, 1 (12), 48-58.
- Ahi, P., & Bejani, H., (2012). Role of occupational way planning in success of the organization. *NAJA Human Resources Periodical*, 7 (28), 110-80. [Persian]
- Bahramzadeh, M. M., Bavarsad, B & Jafarpour, M. (2010) Assessing the role of organizational climate on the entrepreneurial spirit of Ahvaz high school students. *Journal of Education*, 1 (17), 151-180. [Persian]
- Bardick, A. D., Bernes, K. B., Magnusson, K. C., & Witko, K. D. (2005). Parents' Perceptions of Their Role in Children's Career Planning. *Guidance & Counselling*, 20, 152-157.
- Brown, B. L. (2003). The role of CTE in entrepreneurship. *ERIC Digest*, 250, 1-4.
- Carter, N. M., Gartner, W. B., Shaver, K. G., & Gatewood, E. J. (2003). The career reasons of nascent entrepreneurs. *Journal of Business Venturing*, 18 (1), 13-39.
- Coduras Martínez, A., Levie, J., Kelley, D. J., Sæmundsson, R. J., & Schøtt, T. (2010). Global Entrepreneurship Monitor special report: A global perspective on entrepreneurship education and training.
- Douglas, E. J., & Shepherd, D. A. (2002). Self-employment as a career choice: Attitudes, entrepreneurial intentions, and utility maximization. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 26 (3), 81-90.
- Fafaliou, I. (2012). Students' propensity to entrepreneurship: an exploratory study from Greece. *International Journal of Innovation and Regional Development* 5, 4 (3-4), 293-313.
- Gautam, R., Nigam, R., & Mishra, S. (2017). A Study of Determinants of Career Aspirations vis a vis Career Planning among MBA Students. *Global Journal of Enterprise Information System*, 8 (3), 58-64.



- Gysbers, N. C. (2013). Career-ready students: A goal of comprehensive school counseling programs. *The Career Development Quarterly*, 61 (3), 283-288.
- Henderson, R., & Robertson, M. (2000). Who wants to be an entrepreneur? Young adult attitudes to entrepreneurship as a career. *Career Development International*, 5 (6), 279-287.
- Maalu, E. W., & Kabui, J. K. (2012). Perception of entrepreneurship as a career by students from selected public secondary schools in Nairobi. *Perception*, 2 (3), 101-120.
- Magnuson, C. S., & Starr, M. F. (2000). How early is too early to begin life career planning? The importance of the elementary school years. *Journal of Career Development*, 27 (2), 89-101.
- Mohamad, N., Lim, H. E., Yusof, N., Kassim, M., & Abdullah, H. (2014). Estimating the choice of entrepreneurship as a career: The case of Universiti Utara Malaysia. *International Journal of Business and Society*, 15 (1), 65.
- Moradi, S. S., & Kalantari, M. (2010). The Effect Of Entrepreneurship Educational lesson on student hope toward their future occupation. *Social Research Journal*, 7 (3), 187 - 210. [Persian]
- Muofhe, N. J., & Du Toit, W. F. (2011). Entrepreneurial education's and entrepreneurial role models' influence on career choice. *SA Journal of Human Resource Management*, 9 (1), 243-257.
- Noer, B. A., Idrus, M. S. I., Hadiwijoyo, D., & Wirjodirdjo, B. (2013). Entrepreneur as a Career Choice: Interrelationship between Risk Taking, Competitive Aggressiveness, Proactiveness, Innovativeness, and Autonomy. *Journal of Business and Management*, 11 (5), 21-28.
- Pihie, Z. A. L., & Akmaliah, Z. (2009). Entrepreneurship as a career choice: An analysis of entrepreneurial self-efficacy and intention of university students. *European Journal of Social Sciences*, 9 (2), 338-349.
- Premand, P., Brodmann, S., Almeida, R., Grun, R., & Barouni, M. (2016). Entrepreneurship education and entry into self-employment among university graduates. *World Development*, 77, 311-327.
- Rae, D., & Ruth Woodier-Harris, N. (2013). How does enterprise and entrepreneurship education influence postgraduate students' career intentions in the New Era economy?. *Education+ Training*, 55 (8/9), 926-948.
- Segal, G., Borgia, D., & Schoenfeld, J. (2015). The motivation to become an entrepreneur. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*, 11 (1), 42-57.
- Shinnar, R., Pruett, M., & Toney, B. (2009). Entrepreneurship education: attitudes across campus. *Journal of Education for Business*, 84 (3), 151-159.

- Sieger, P., & Monsen, E. (2009). Founder, academic, or employee? A nuanced study of career choice intentions. *Journal of Small Business Management*, 53 (S1), 30-57.
- Su, M. S., Chang, T. C., Wu, C. C., & Liao, C. W. (2016). Factors Affecting the Student Career Decision-Making of Junior High School Students in Central Taiwan Area. *International Journal of Information and Education Technology*, 6 (11), 843.
- Talib, J. B. A., Mohamad, Z., & Wahab, N. A. (2015). Effects of Career Exploration Module on Career Planning, Career Self-Efficacy and Career Maturity among Community College Students. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6 (6 S1), 464-469.
- Thompson, P., & Kwong, C. (2016). Compulsory school-based enterprise education as a gateway to an entrepreneurial career. *International Small Business Journal*, 34 (6), 838-869.
- Van der Kuip, I., & Verheul, I. (2003). *Early development of entrepreneurial qualities: The role of initial education* (No. N200311). EIM Business and Policy Research.
- Wilson, F., Kickul, J., & Marlino, D. (2007). Gender, entrepreneurial self-efficacy, and entrepreneurial career intentions: implications for entrepreneurship education. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 31 (3), 387-406.
- Yaqoob, U., Arif, F., Samad, M., & Iqbal, A. (2017). Career counselling and its knowledge among high school students in Pakistan. *International Journal of Community Medicine And Public Health*, 4 (7), 2261-2268.
- Yeager, D. S., Bundick, M. J., & Johnson, R. (2012). The role of future work goal motives in adolescent identity development: A longitudinal mixed-methods investigation. *Contemporary Educational Psychology*, 37 (3), 206-217.
- Zarei, P., (2001). *Impact of the implementation of the system of development of the business path on the efficiency of experts in Saipa*. (Master's Thesis), Isfahan University of Science and Technology. [Persian]

